

تحلیل مواجهه مسالمت آمیز با پیروان ادیان آسمانی در عصر حاکمیت حضرت امام عصر علیه السلام در قرآن و سنت

محمد مهدی کریمی نیا^۱، مجتبی انصاری مقدم^۲، مهدی اماندادی قطب آبادی^۳

^۱ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)

^۲ دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، پژوهشگر و مدرس دانشگاه

^۳ طلبه حوزه علمیه قم، مبلغ و محقق علوم اسلامی

چکیده

در حکومت حضرت مهدی (عج) پیروان ادیان الهی، مانند مسیحیت، یهودیت و زرتشتی چه وضعیتی خواهند داشت. آیا از میان خواهند رفت، یا می توانند در صورت عدم توطئه و جنگ و کارزار نظامی، در کنار مسلمانان زندگی مسالمت آمیز داشته باشند؟ ممکن است برخی از پیروان دیگر ادیان، اسلام نیاورند و بر باورهای دینی خویش پای فشارند؛ کسانی که هیچ ضدیتی با دین اسلام نشان ندهند، بلکه خواهان زندگی مسالمت آمیز با مسلمانان باشند. اسلام اهل کتاب را به عنوان یک اقلیت سالم می پذیرد و تا زمانی که به تحریکات دست نزنند، حمایت کرده است. در دوران حکومت آن مصلح بزرگ، همه وسایل پیش رفته ارتباط جمعی، در اختیار او و پیروان خواهد بود و چون اسلام راستین، جاذبه ای فوق العاده دارد، به خوبی می توان پیش بینی کرد که اسلام با تبلیغ منطقی و پی گیر، مورد پذیرش مردمان جهان خواهد بود و آرمان وحدت ادیان، عملی می گردد. سنت و روش حکومت منجی عالم، حضرت مهدی (عج)، همانند سیره و روش پیامبر اکرم (ص) خواهد بود. در واقع او احیاگر دین محمدی (ص) است و سنت پیامبر اکرم (ص) برگرفته از آموزه های آسمانی قرآن کریم است که در باره همزیستی مسالمت آمیز با پیروان ادیان آسمانی دستورهای صریحی می دهد. ادیان دیگر هم تا قیامت طرفدار دارند. دلیلی نداریم که در عصر ظهور، حضرت مهدی (عج)، همگان را به پذیرش اسلام مجبور کنند. چه بسا افرادی بر اثر اشتباه یا تعصب بر عقیده پیشین باقی بمانند؛ هرچند اکثریت به نظام توحیدی اسلام گرایش خواهند کرد و این امر طبیعی است.

واژه های کلیدی: همزیستی مسالمت آمیز، عصر حکومت مهدی (ع)، ادیان آسمانی، مصلح، منجی

مقدمه

حس کنجکاوی و آینده نگری، انسان را وادار می‌دارد تا در باره آینده بشر و جهان تحقیق کند و در پی پاسخ این پرسش باشد که آینده چگونه خواهد بود. در حکومت حضرت مهدی (عج) پیروان ادیان الهی، مانند مسیحیت، یهودیت و زرتشتی چه وضعیتی خواهند داشت؟ آیا از میان خواهند رفت یا می‌توانند در صورت عدم توطئه و جنگ و کارزار نظامی، در کنار مسلمانان زندگی مسالمت آمیز داشته باشند؟ البته در عصر ظهور، دین حاکم - که دلایل حقانیت آن بر همگان روشن شده است - دین اسلام است. در آن عصر، انسان‌ها گروه گروه به دین اسلام می‌گرایند، ولی درعین حال این امر قابل پیش بینی است که برخی از پیروان دیگر ادیان، اسلام نیاورند و بر باورهای دینی خویش پای فشارند؛ کسانی که هیچ ضدیتی با دین اسلام نشان ندهند، بلکه خواهان زندگی مسالمت آمیز با مسلمانان باشند. سنت و روش حکومت منجی عالم، حضرت مهدی (عج)، همانند سیره و روش پیامبر اکرم (ص) خواهد بود. در واقع، او احیاگر دین محمدی (ص) است و سنت پیامبر اکرم (ص) برگرفته از آموزه های آسمانی قرآن کریم است که در باره هم زیستی مسالمت آمیز با پیروان ادیان آسمانی دستورهای صریحی می‌دهد. این اندیشه که انسان‌ها در عصر ظهور و حکومت منجی، همه پیرو دین مبین اسلام هستند، دور از واقعیت است. البته دین غالب و حاکم اسلام است؛ به گونه ای که حتی زمینه برای فعالیت پیروان دیگر ادیان فراهم نیست، ولی این گونه نیست که این گروه اندک از پیروان ادیان آسمانی برای تغییر عقیده خویش زیر فشار باشند؛ زیرا اصل قرآنی می‌فرماید: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره: ۲۵۸) در پذیرش دین اجباری نیست. از سوی دیگر جنگ با آنان که به سلاح دست نبرده اند و در پی درگیری مسلحانه نیستند، بلکه پیشنهاد صلح و زندگی مسالمت آمیز می‌دهند، منطقی به نظر نمی‌آید. پاسخ به این پرسش از این جهت اهمیت دارد که امروزه در جهان غرب تبلیغات شدیدی علیه اسلام و مهدویت صورت می‌گیرد. به تازگی فیلمی به نام پیش گویی های «نوستر آداموس» به زبان های مختلف دوبله شده است. «نوستر آداموس» از آمدن فردی از نسل جدید پیامبران از جزیره العرب خبر می‌دهد و می‌گوید: او بر دنیا مسلط می‌شود. سخنگوی آن فیلم مصلح جهانی را ضد مسیح و بر هم زننده عالم و ویران کننده جهان معرفی می‌کند و به صراحت می‌گوید: باید کاری کرد که این مسأله پیش نیاید و او نتواند کشورهای بزرگ مثل امریکا و فرانسه را از میان ببرد و مسیحیت را نابود کند. این فیلم نمونه ای از فعالیت های شیطانی است؛ زیرا در پایان به صورت مرموزی احساس تنفر از چنین شخصی در بینندگان ایجاد می‌شود؛ چراکه مردم جهان به طور فطری از خشونت و خون ریزی واهمه دارند. آن‌ها شخصی را که می‌گویند منجی جهان است، ولی چنین خون ریزی می‌کند، نمی‌پذیرند و این همان هدف شیطانی است که در این فیلم پی گرفته می‌شود تا زمینه پذیرش آن حضرت را در مردم جهان از میان ببرد. طرفداران ادیان بزرگ جهان می‌دانند که مجری عدل الهی ضد مسیح نیست، بلکه او حضرت مسیح را روح الله و کلمه الله می‌داند. مسیح (ع) نیز با او همراهی می‌کند و از آسمان به زمین می‌آید و به او یاری می‌رساند. مصلح جهانی برای برقراری عدالت و برچیدن ستم می‌آید و محال است که خودش، بر هم زننده نظم عالم و ویران کننده جهان باشد. متأسفانه امروزه بسیاری از تجاوز طلبی های امریکا به دیگر کشورهای مستقل، با پشتیبانی آموزه های مسیحیت بنیادگرا و همراهی کشیشان و کلیسای این نحلّه از مسیحیت صورت می‌گیرد. این نحلّه، صهیونیسم مسیحی نام دارد که در همگرایی با صهیونیسم، به ظهور دوباره حضرت مسیح در بیت المقدس و نجات یهودیان و نابودی دیگر ادیان، تمدن‌ها و فرهنگ های متعارض با خویش از جمله مسلمانان به دست این منجی معتقدند. آن‌ها در این راستا هر گونه اعمال جنایت، سرکوبی و سنگ دلی ها را به عنوان زمینه سازی برای ظهور منجی موعود مسیحی توجیه می‌کنند. بنابراین هم پیمانی مستحکم زمام داران آمریکایی با صهیونیسم در این باره توجیه پذیر است. در مقابل کم نیستند شرق شناسانی که برای اسلام نهایت احترام را قائل اند و در انتظار منجی جهانی و صلح

و امنیت همه جانبه هستند. «برنارد شاو»، نویسنده معروف انگلیسی، در مقدمه کتاب «محمد رسول الله (ص)» می گوید: من همیشه به دین محمد (ص) به واسطه خاصیت زنده بودن عجیبش نهایت احترام را داشته ام. به نظر من اسلام تنها مذهبی است که استعداد تفوق و تسلط بر حالات گوناگون و صور متغیر زندگی و مواجهه با قرون مختلف را دارد. چنین پیش بینی می کنم و از هم اکنون آثارش پدیدار شده است که ایمان محمد(ص) مورد قبول اروپای فردا خواهد بود. روحانیان قرون وسطی، در نتیجه جهالت یا تعصب، شمایل تاریکی از آیین محمد(ص) رسم می کردند. او به چشم آن ها از روی کینه و عصبیت ضد مسیح جلوه کرده بود. من درباره این مرد؛ این مرد فوق العاده مطالعه کردم و به این نتیجه رسیدم که نه تنها ضد مسیح نبوده، بلکه باید ناجی بشر نامیده شود. به عقیده من اگر مردی چون او صاحب اختیار دنیای جدید شود، طوری مسائل و مشکلات دنیا حل خواهد شد که صلح و سعادت بشر تأمین خواهد شد، (بهشتی، ۱۳۴۹ش، ص ۵ - ۶). در هر حال از آیات قرآن کریم برمی آید که ادیان دیگر هم تا قیامت طرفدار دارند. دلیلی نداریم که در عصر ظهور، حضرت مهدی(عج)، همگان را به پذیرش اسلام مجبور کنند. چه بسا افرادی بر اثر اشتباه یا تعصب بر عقیده پیشین باقی بمانند؛ هرچند اکثریت به نظام توحیدی اسلام گرایش خواهند کرد و این امر طبیعی است.

۱. مفهوم زندگی مسالمت آمیز

همزیستی در لغت به معنای باهم زندگی کردن، زندگانی مردم دو کشور با کمک اقتصادی و سیاسی به همدیگر و در اصطلاح گیاه شناسی شریک بودن دو گیاه در زندگی با یکدیگر، (عمید، ۱۳۷۵ش، ص ۱۱۲۱). نیز در تعریف آن گفته شده است: همزیستی، با هم زیستن، زندگی دو تن یا دو گروه با یک دیگر، درحالی که شاید مناسب یکدیگر نباشند، (دهخدا، ۱۳۷۷ش، ج ۱۴، ص ۲۰۸۱۷). همزیستی مسالمت آمیز در اصطلاح حقوق بین الملل عبارت است از: چگونگی مناسبات، بین ممالکی که دولت های آن دارای نظام اجتماعی و سیاسی مختلف هستند؛ یعنی رعایت اصول حق حاکمیت، برابری حقوق، مصونیت و تمامیت ارضی هر کشور کوچک یا بزرگ، عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشورها، احترام به حق تمامی توده ها در گزینش آزاد نظام اجتماعی خویش و فیصله بخشیدن به مسائل بین المللی از طریق مذاکره. به هر حال، آنچه مورد نظر فرهنگ نویسان و دانشمندان حقوق بین الملل است، این است که در پرتو این اصل مهم، مردم کشورها با وجود مذاهب و باورهای گوناگون در آرامش و صلح و همکاری با یکدیگر به سر برند و اختلاف ها را از راه های مسالمت آمیز حل و فصل کنند. همزیستی مسالمت آمیز از واژگان حقوق بین الملل است، ولی در حقوق داخلی نیز کاربرد دارد و منظور از آن این است که مردم یک کشور با وجود مذاهب، باورها و نژادهای گوناگون، با یک دیگر زندگی مسالمت آمیز داشته باشند. در عصر حضرت مهدی(عج) حکومت واحد جهانی حاکم می شود. در این حالت مرز میان کشورها به مفهوم کنونی آن وجود نخواهد داشت؛ بنابراین همزیستی مسالمت آمیز از واژگان حقوق داخلی خواهد شد، نه از اصطلاحات حقوق بین الملل. در هر حال، منظور از همزیستی مسالمت آمیز در عصر ظهور آن است که مسلمانان با پیروان دیگر ادیان آسمانی که دست به سلاح نبرده اند و حاضرند زیر لوای حکومت اسلامی باشند، زندگانی مسالمت آمیز و صلح گونه داشته باشند.

۲. ضرورت هم زیستی مسالمت آمیز

۲-۱. آرزوی قلبی انسان ها در طول تاریخ

امروزه فیلسوفان سیاسی معتقدند هر حکومتی باید بتواند امنیت، عدالت، اقتصاد سالم، آزادی، حقوق انسانی، بهداشت و مانند آن را برای بشر به ارمغان آورد. انتظار توده مردم و شهروندان نیز در هر جامعه ای از حاکمان این است که بتوانند شرایط

زندگی جمعی و هم زیستی مسالمت آمیز را فراهم سازند. همزیستی مسالمت آمیز میان انسان ها دو صورت دارد: الف. همزیستی مسالمت آمیز میان انسان های یک جامعه یا کشور؛ ب. همزیستی مسالمت آمیز میان جوامع و ملت های گوناگون. برخی از حکومت ها توانسته اند هم زیستی مسالمت آمیز و عدالت اجتماعی را در یک جامعه عملی کنند و امنیت، عدالت، بهداشت و آزادی را در جامعه خود در حد نسبی رشد دهند، ولی هم زیستی مسالمت آمیز در میان جوامع و کشورهای متفاوت و در کل جهان، هیچ گاه حتی در تاریخ ادیان هم به صورت کامل تحقق نیافته است، (موسوی گیلانی، ۱۳۸۵ش، ص ۶۷). هم زیستی مسالمت آمیز، امنیت خاطر، ستم نکردن و ستم ندیدن از دیگران و خشنودی مردم، از بزرگ ترین دغدغه های اجتماعی بشر در طول تاریخ بوده است. در عصر مهدوی، انسان ها دگرگون می شوند و عقلشان کامل خواهد شد. حضرت امیرمؤمنان، علی(ع) در این باره می فرماید: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بَهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامُهُمْ، (کلینی، ۱۳۶۹ش، ج ۱، ص ۲۵؛ موسوی اصفهانی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۱۰۵)؛ هرگاه قائم ما قیام کند، خداوند دستش را بر سر بندگان قرار دهد، پس عقل هایشان جمع و بردباری شان کامل گردد». به سبب رشد و تقوا و ایمان در همه جهان، مردم از ستم ستم گران در امان خواهند بود، آن چه در عصر غیبت چه بسا در یک خانواده، شهر یا کشور کمتر دیده شود، پس از عصر ظهور در همه عالم دیده خواهد شد؛ به گونه ای که جوامع بشری از تمامی آسیب ها و موانع هم زیستی، رهایی خواهند یافت. از این رو، می توان تصور کرد که در عصر ظهور، قرائتی جدید از عالم و آدم خواهیم داشت. حضرت امام علی(ع) در توصیف بیعت یاران حضرت مهدی(عج) می فرمایند: «با او بیعت می کنند که دزدی نکنند، زنا نکنند، مسلمانی را دشنام ندهند؛ خون کسی را به ناحق نریزند، به آبروی کسی لطمه نزنند، به خانه کسی هجوم نبرند و...»، (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ص ۴۶۹؛ سلیمان، ۱۳۶۵ش، ج ۲، ص ۴۶۵). انسان عصر مهدوی براساس مهرورزی بر هم نوعان و احسان به خلق، فراتر از قوانین اجتماعی به وحدت انسانی با هم نوعان می رسد. او همه را از جنس خود می بیند و منافع دیگران را هم چون منافع خویش می شمارد و از منافع شان پشتیبانی می کند.

۲-۲. تأمین امنیت

در سایه صلح و هم زیستی، امنیت حاصل می شود که همواره از آرزوهای جامعه بشری بوده است. بشر همواره از جنگ، خاطره خوشی نداشته است. رفاه، پیشرفت و افزایش توانایی ها و استعداد های فردی و اجتماعی، مرهون وجود امنیت است. از نظر اسلام، «امنیت» چه از نظر عقیده و چه از نظر اجتماعی اش، اهمیت فوق العاده ای دارد. اسلام، «ایمان» را عاملی برای «امنیت درونی» می داند: «الإِيمَانُ هُوَ التَّصَدِيقُ الَّذِي مَعَهُ أَمْنٌ»، (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳ش، ص ۲۲)؛ ایمان عبارت است از تصدیق [خدا، پیامبر و روز جزا] که همراه با آن، امنیت است. در اسلام، از «کعبه»، یعنی مقدس ترین مکان، با صفت «امن» یاد شده است: «وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ أَمْنًا»، (بقره: ۱۲۵)؛ و آن گاه که کعبه را وسیله بهره وری و کسب ثواب و جایگاه امن قرار دادیم. قرآن، نتیجه اعمال خوب بندگان صالح را ورود به جایگاه امن می داند و می فرماید: «أَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ، (حجر: ۴۶)؛ به بهشت برین وارد شوید؛ درحالی که از صلح و امنیت برخوردارید». دین مبین اسلام، خود را از نظر ماهیت به «حالت امنیت آور» معرفی کرده است: «فَجَعَلَهُ أَمْنًا لِّمَنْ عَقَلَهُ، (رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۰۶)؛ خداوند اسلام را وسیله امنیت برای کسی قرار داد که به آن بگردد». هم چنین هدف از برپایی حکومت و نظام سیاسی مبتنی بر قوانین وحی «تأمین امنیت» است: «فَيَأْمَنُ الْمُظْلَمُونَ مِنْ عِبَادِكَ، (همان، خطبه ۱۳۱)؛ (بدان جهت حکومت را پذیرفتم که...) ستم دیدگان از بندگان احساس امنیت کنند». برپایی عدالت، امنیت و صلح بین المللی، بزرگ ترین رسالت جهانی امام عصر(عج) است. بی تردید برای ساختن جامعه توحیدی و تشکیل حکومت جهانی بنابر آموزه های وحی، پایه نخستین و کارمایه اصلی، «عدالت گستری» است. از این

رو، در بیشتر احادیث مربوط به امام موعود(عج)، بر عدل گستری و ظلم ستیزی آن بزرگوار تأکید شده است. امام حسین(ع) فرمود: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ وَلَدِي فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا» (صافی، ۱۴۲۲ق، ص ۳۰۸)؛ اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را دراز گرداند تا مردی از فرزندان من قیام کند و زمین را از عدل و داد پر سازد؛ پس از آن که ستم و بیداد آکنده باشد. وجود امنیت و صلح از نیازهای ضروری و آروزهای انسان در طول تاریخ بوده است. امنیت در تمام بخش های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، زمینه ساز همه فعالیت های مفید است و شرط لازم برای رشد و تکامل فرد و جامعه می باشد. امنیت و صلح در بُعد جهانی آن اهمیت ویژه ای دارد. در پرتو آن، تضاد و درگیری به حداقل می رسد، و در صورت رواج تضاد و درگیری، هر کشور در محدوده حقوق خویش محدود می شود و قانون، مانع تجاوز و دست اندازی آن است. امام مهدی(عج) پدید آورنده امنیت جهانی است؛ امنیتی که بشر در تمام دوران تاریخ خود مانند آن را ندیده است. او علل و عوامل دلهره، نگرانی و ترس را نابود می کند و هراس انگیزان را از سر راه جامعه سالم جهانی بر می دارد. امام علی(ع) فرمود: «وَبِنَا يَدْفَعُ اللَّهُ الْكَلْبَ ... وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ لَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ لَذَهَبَتِ الشَّجَنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ وَ اصْطَلَحَتِ السَّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ وَ عَلَى رَأْسِهَا زِينَتُهَا لَا يَهَيِّجُهَا سَعٌّ وَ لَا تَخَافُهُ» (مجلسی، ۱۴۴۰ق، ج ۱۰، ص ۸۹)؛ به دست ما [=حکومت ما] روزگار سختی ها و تشنه کامی ها سپری شود... و چون قائم ما قیام کند، کینه ها از دل ها بیرون می رود؛ حیوانات نیز با هم سازگاری کنند. در آن روزگار، زن، با همه زیور خویش، از عراق درآید و تا شام برود و از هیچ نترسد. هرچند تصور این امور برای ما دشوار است، این وعده حق خداست و خداوند پیمان شکن نیست. چنین روزگاری پدید خواهد آمد و عدالت، امنیت و صلح در جهان، فراگیر خواهد شد.

۳-۲. امکان گفتمان و احتجاج با پیروان دیگر ادیان آسمانی

بر اساس برخی روایات، در جهانی سازی مهدوی، حضرت مهدی(عج) بدون هیچ تعارفی تمامی موحدان و غیر موحدان و پیروان دیگر ادیان را به پیروی از اسلام و آموزه های نجات بخش آن با قاطعیت، تکلیف می کند، ولی این به معنای اجبار صرف عقیدتی به پذیرش مطلق آیین اسلام نیست، بلکه محور کاری حضرت مهدی(عج) - همان گونه که از نامشان نیز برمی آید - هدایت جامعه بشری است و بدیهی است که اساس هدایت، باید بر اقناع مبتنی باشد. بنابر روایات، حضرت از همان ابتدای ظهور، کتاب های تحریف ناشده زبور، تورات و انجیل را پیدا می کند و براساس نسخه اصل آنها، با اهل کتاب محاجه، استدلال و گفت و گو می کند، و براساس آنها حکم می راند تا آن که ایشان به دین اسلام و حکومت جهان شمولی مهدوی هدایت شوند. در همین راستا امام باقر(ع) می فرماید: «به خدا سوگند یاد می کنم، هر آینه گویا قائم را می بینم، در حالی که پشت به حجرالاسود داده، پس از آن، حق خویش را - یعنی خلافت را - از خداوند عالم می طلبد». سپس ادامه می دهند: «ای مردم هر که درباره خدا با من محاجه و گفت و گو کند، هر آینه من نزدیک ترین آفریدگان به خدایم. ای مردم، هر که درباره آدم با من گفت و گو و محاجه کند، هر آینه من نزدیک ترین خلائق به آدم هستم. ای مردم، هر که درباره نوح با من گفت و گو نماید، هر آینه من نزدیک ترین خلائق به نوح هستم. ای مردم، هر که درباره ابراهیم با من محاجه و گفت و گو کند، هر آینه من نزدیک ترین خلائق به ابراهیم هستم. ای مردم، هر که درباره موسی با من محاجه و گفت و گو نماید، هر آینه من نزدیک ترین خلائق به موسی هستم. ای مردم، هر که در باره عیسی با من محاجه و گفت و گو نماید، هر آینه من نزدیک ترین خلائق به عیسی هستم. ای مردم هر که با من درباره کتاب خدا گفت و گو نماید، هر آینه من نزدیک ترین خلائق به کتاب خدا هستم». پس از این سخنان، به مقام ابراهیم می رود و در آن جا دو رکعت نماز می گزارد، سپس حق خود را - یعنی خلافت را - از خدای تعالی

می خواهد، (مجلسی، ۱۳۹۴ش، ج ۲، ص ۲۲۸ - ۲۲۹). امام باقر(ع) در بیانی دیگر، برخورد گفتمانی، استدلالی و محترمانه امام عصر(عج) با پیروان دیگر ادیان را چنین بازگو می فرماید: «چون قائم ما اهل بیت(ع) قیام می کند، اموال را به تساوی قسمت می کند و با مردم به عدالت حکم می کند. پس هر که از او اطاعت کند، از خداوند اطاعت کرده است و هر که با او مخالفت کند، هر آینه از خدا عصیان کرده و با او مخالفت کرده است، و نامیدن او به «مهدی» از این بابت است که خدا او را به امور پنهانی راه می نماید و تورات و دیگر کتاب های آسمانی خدا را در انطاکیه از غاری بیرون می آورد و درمیان اهل تورات با تورات و در میان اهل انجیل با انجیل و در میان اهل زبور با زبور و در میان اهل قرآن با قرآن حکم می فرماید...»، (همان، ج ۲، ص ۲۴۳ - ۲۴۴).

۲-۴. ایجاد حکومت واحد جهانی

یکی از برنامه های اسلام، ایجاد حکومت واحد جهانی است که در سایه «هم زیستی مسالمت آمیز» یا «هم زیستی مذهبی» حاصل می شود. اسلام، زیرسایه حکومت جهانی اش، به مذاهب آسمانی، حق حیات می دهد. بر پیروان آنها کم ترین اهانت و تحقیری روا نمی دارد تا چه رسد به شکنجه و آزار و تفتیش عقاید. بالاتر از این ها، حکومت اسلامی حتی حمایت پیروان مذاهب دیگر را در جامعه جهانی به عهده می گیرد و منافع و مصالح آنان را در برنامه های کلی منظور می کند. نه تنها از آن حمایت می شود، بلکه حکومت اسلامی می کوشد وسایل رفاه و آسایش آنان را فراهم سازد. بدین ترتیب، روش اسلام در برابر ادیان دیگر، فقط آزادی بخشیدن نیست؛ روشی است که باید نام آن را «حمایت و سرپرستی» گذاشت. البته این روش، تنها درباره مذاهب آسمانی در پیش گرفته می شود و این گونه نیست که هر نوع آیین خرافی و پندار غلط و آداب و رسوم خطرناک که صورت مذهبی به خود گرفته باشد، از این حمایت برخوردار باشد، (مجتهد شبستری، ۱۳۴۵ش، ص ۳۷). خلاصه این که اسلام می خواهد از انسان های موجود در کره زمین، تنها یک امت به هم پیوسته و واحد بشری فراهم آورد؛ یعنی کشوری به عرض و طول جغرافیایی همه کره زمین و هر دولتی به شعاع فعالیت و صلاحیت همه انسان ها و سرزمین ها. اسلام نظامی نیست که به یک منطقه خاص جغرافیایی و یا گروه خاصی از افراد انسانی منحصر باشد: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (سوره سبأ: آیه ۲۸)؛ ما تو را جز برای همه مردم نفرستادیم؛ در حالی که بشارت دهنده و ترساننده هستی، ولی بیش تر مردم نمی دانند». بنابراین، نظام حقوقی اسلام، نظامی فراگیر و جهان شمول تلقی می شود، ولی چنین امری برای ما یک نگرش کمال مطلوبی ایجاد می کند؛ یعنی روزی را لحظه شماری می کنیم که آرمان جهانی تحقق یابد و پراکندگی و اختلاف از جوامع بشری رخت بربندد. در چنان روزی، دیگر جایی و نیازی به حقوق بین الملل به مفهوم کنونی باقی نخواهد ماند، (خلیلیان، ۱۳۸۷ش، ص ۱۱۰ - ۱۱۱). از برنامه های امام مهدی(عج) تشکیل حکومت فراگیر جهانی و اداره همه اجتماع ها از یک نقطه و با یک سیاست و برنامه است. در آن دوران به دست آن امام بزرگوار، آرمان والای تشکیل جامعه بشری و خانواده انسانی تحقق می پذیرد و آرزوی دیرینه همه پیامبران، امامان، مصلحان و انسان دوستان برآورده خواهد شد. در دوران رهبری امام مهدی (عج)، با ایجاد مرکزیت واحد و مدیریت و حاکمیت یگانه برای همه اجتماع ها، نژادها و منطقه ها، یکی از عوامل اصلی تضاد، جنگ و ظلم نابود می شود. انسان ها بدون ترس از فشار سیاست، برادرانه در کنار یکدیگر زندگی می کنند. سرزمین های آباد به استثمار حق محرومان و استعمار کشورهای ضعیف نمی پردازند، بلکه کمبودها و عقب ماندگی های طبیعی و بشری و دیگر نابسامانی ها به دست بخش های توان مند جامعه بشری جبران می شود و به معنای واقعی کلمه، از کل اجتماع بشری یک امت و یک خانواده تشکیل می شود، (حکیمی، ۱۳۹۲ش، ص ۱۶۱ - ۱۶۲).

۳. حکومت مردان شایسته در عصر حکومت مهدی (ع)

از آیات و روایات اسلامی بر می آید که در عصر مهدی (عج) حکومت و قدرت زمین از کافران غیر کتابی و ماده گرایان گرفته می شود و در دست مسلمانان و مردمان شایسته جهان قرار می گیرد. این مطلب را در سه قسمت پی می گیریم:

۱-۳. آیات قرآن کریم در باره عصر حکومت مهدی (ع)

در آیه ای از قرآن می خوانیم: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (سوره انبیاء: آیه ۱۰۵)؛ در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد». «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (سوره صف: آیه ۹)؛ اوست کسی که فرستاده خود را با هدایت و آیین درست روانه کرد، تا آن را بر هر چه دین است فائق گرداند؛ هر چند مشرکان را ناخوش آید». «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيَبْدُلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (سوره نور: آیه ۵۵)؛ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتما آنان را در سرزمین جانشین (خود) قرار می دهد؛ همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین (خود) قرارداد و آن دینی را که برایشان پسندیده است، به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، تا مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید، آنانند که نافرمانند». این آیه شریفه در شأن حضرت مهدی (عج) است. طبرسی در ذیل این آیه می گوید: «این حدیث از اهل بیت پیامبر (ص) نقل شده است که فرموده اند: "أَنَّهُا فِي الْمَهْدِيِّ مِنَ آلِ مُحَمَّدٍ" (طبرسی، ۱۳۸۴ ش، ذیل آیه ۵۵ سوره نور؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۴، ص ۵۳۱)؛ این آیه، درباره مهدی آل محمد (ص) است". مفهوم جمله «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» این است که هدف نهایی، فراهم آمدن حکومت عدل و ریشه دار شدن آیین حق و گسترش امنیت و استحکام پایه های بندگی و توحید است که در آیه دیگر، با عنوان «هدف آفرینش» یاد شده است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِي» (سوره ذاریات: آیه ۵۶)؛ من جن و انس را نیافریدم، مگر برای خاطر این که مرا عبادت کنند». «وَوَرِيدُ أَنْ تَمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (سوره قصص: آیه ۵)؛ و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرودست شده بودند، منت نهیم و آنان را پیشوایان (مردم) گردانیم و ایشان را وراث (زمین) کنیم». بنابر بشارت این آیات، روزی خواهد آمد که قدرت و فرماندهی جهان در دست مؤمنان و مسلمانان شایسته خواهد بود و نور اسلام تمام ادیان را تحت شعاع قرار می دهد و بر آنها غالب می گردد. می توان نتیجه گرفت که تمام تلاش های چنین حکومتی، از جنگ و صلح گرفته تا برنامه های آموزشی و فرهنگی و اقتصادی و نظامی، همگی در مسیر بندگی خدا، و به دور از هر گونه شرک است. گفتنی است که معنای حکومت صالحان و سر سپردن به آیین حق و عبادت دور از شرک، این نیست که در چنان جامعه ای هیچ گناه کار و منحرفی نخواهد بود، بلکه بدین معناست که زمام حکومت در دست مؤمنان صالح است و چهره عمومی جامعه خالی از شرک است و گرنه تا زمانی که انسان آزادی اراده دارد، ممکن است در بهترین جوامع الهی و انسانی نیز، منحرفانی وجود داشته باشند، (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۴، ص ۵۳۳ - ۵۳۴).

۲-۳. روایات اسلامی در باره عصر حکومت مهدی (ع)

از روایات اسلامی استفاده می شود که در عصر دولت مهدی (عج) دستگاه شرک و کفر از زمین برچیده می شود و جز یکتاپرستان و گویندگان کلمه توحید، احدی در زمین باقی نمی ماند. پیامبر اکرم (ص) فرموده اند: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ

وَاحِدٌ لَبَّعَثَ اللَّهُ فِيهِ رَجُلًا اسْمُهُ اسْمِي وَ خُلِقَهُ خُلُقِي يُكْتَبِي أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ... يَرُدُّ اللَّهُ بِهِ الدِّينَ وَ يَفْتَحُ لَهُ فِتْنُوحَ فَلَا يَبْقَى عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ يَقُولُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، فَقَامَ سَلْمَانُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ أَيْ وَلَدِكَ هُوَ قَالَ مِنْ وَلَدِي هَذَا وَ ضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، (امینی، ۱۳۹۶ش، ص ۳۰۴؛ حرّ عاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۷، ص ۲۱۵ - ۲۱۷)؛ اگر از عمر دنیا بیش از یک روز باقی نمانده باشد، خدا مردی را که نامش نام من و اخلاقش اخلاق من و کنیه‌اش ابوعبدالله است مبعوث می‌کند و به وسیله او، دین را - به عظمت اولی خود - بر می‌گرداند و فتوحاتی را نصیبش می‌کند و جز گوینده کلمه توحید کسی روی زمین باقی نخواهد ماند. به آن حضرت عرض شد: آن مرد از نسل کدام فرزندیست به وجود می‌آید؟ پیغمبر دستش را به حسین زده فرمود: از این». هم چنین امام باقر (ع) فرموده است: «يُقَاتِلُونَ وَ اللَّهُ حَتَّى يُوحِدُ اللَّهُ وَ لَا يُشْرِكُ بِهِ شَيْءٌ»، (امینی، ۱۳۹۶ش، ص ۳۰۴؛ مجلسی، ۱۴۴۰ق، ج ۵۲، ص ۳۴۵)؛ قائم و اصحابش آن چنان جنگ می‌کنند تا دیگر مشرکی باقی نماند».

۳-۳. همسانی سیره و روش امام عصر (عج) با سیره پیامبر اکرم (ص)

از روایات اسلامی بر می‌آید که سیره و روش امام مهدی (عج) همان روش پیامبر اکرم (ص)، یعنی نابودی مظاهر شرک و کفر و برافراشتن پرچم یکتا پرستی است. تنها به دو روایت در این زمینه بسنده می‌کنیم: محمد بن مسلم می‌گوید: از امام باقر (ع) در باره سیره حضرت مهدی (عج) پرسیدم و ایشان فرمودند: «بَسِيرَةُ مَا سَارَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ (ص) حَتَّى يَظْهَرَ الْإِسْلَامُ؛ سیره او، همان سیره رسول الله (ص) است». عرض کردم: سیره رسول الله (ص) چه بود؟ فرمود: «أَبْطَلَ مَا كَانَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَ اسْتَقْبَلَ النَّاسَ بِالْعَدْلِ وَ كَذَلِكَ الْقَائِمُ (عج) إِذَا قَامَ يَبْطُلُ مَا كَانَ فِي الْهُدْنَةِ مِمَّا كَانَ مِنْ أَيْدِي النَّاسِ، وَ يَسْتَقْبِلُ بِهِمُ الْعَدْلُ، (طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۶، ص ۱۵۴، ح ۲۷۰)؛ پیامبر اسلام (ص) نظام جاهلیت را برچیدند و مردم را به سوی عدالت سوق دادند. حضرت مهدی (عج) نیز زمانی که قیام کند، بدعت‌ها را برطرف می‌سازد و مردم را به سوی عدالت حرکت می‌دهند». هم چنین عبدالله بن عطا همین پرسش را از امام باقر (ع) می‌پرسد و آن حضرت در پاسخ می‌فرماید: «يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَ يَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيدًا، (مجلسی، ۱۴۴۰ق، ج ۵۲، ص ۳۵۳؛ نعمانی، ۱۳۸۷ش، ص ۲۳۲، ح ۱۷؛ مقدسی، ۱۳۸۲ش، ص ۲۲۷)؛ همانند پیامبر (ص) آن‌چه پیش تر - از نظام غیر دینی - وجود داشته است، برمی‌چیند و اسلام را از نو ایجاد می‌کند».

۴. اقلیت‌های مذهبی در پناه حکومت مهدوی (عج)

بر اساس منابع اسلامی، در آخرالزمان، دین اسلام فراگیر و بر تمام ادیان و مذاهب حاکم می‌شود. این بدان معنا است که بیشتر مردم جهان به اسلام گرایش می‌یابند؛ چون زمینه‌های تردید از میان می‌رود و حقانیت اسلام برهمگان اثبات می‌شود. امام عصر (عج) با ادله قطعی و روشن، پیروان مذاهب دیگر؛ مثل یهودیان و مسیحیان را به اسلام فرا می‌خواند. دلیل این که حضرت مهدی را مهدی گفته اند، این است که به سوی کوهی در شام هدایت می‌گردد و ایشان اسفار تورات را از آن بیرون می‌آورد با کتاب تورات با یهود احتجاج و استدلال می‌کند. آن گاه گروهی از یهودیان به دست آن حضرت مسلمان می‌شوند، (صدر، ۱۳۴۴ش، ص ۳۰۶، از کتاب عقد الدرر). هم چنین، بنابر منابع اسلامی، گروهی از پیروان دین یهود و مسیحیان تا روز قیامت باقی می‌مانند. این بحث را در بخش آیات و روایات پی می‌گیریم.

۴-۱. دلالت آیات قرآن کریم بر ماندن برخی یهودیان و مسیحیان تا قیامت

از بعضی آیات قرآن بر می‌آید که شماری از پیروان یهود و مسیحیت، هم چنان بر دین خود باقی می‌مانند؛ هر چند اسلام، به صورت آیین رسمی، همه جهان را فراگرفته است: «مِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا

بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يَنْبَغُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ، (سوره مائده: آیه ۱۴)؛ و از کسانی که گفتند: ما نصرانی هستیم، از ایشان پیمان گرفتیم، (ولی) بخشی از آن چه بدان اندرز داده بودند، فراموش کردند، و ما (هم) تا روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکندیم و به زودی خدا آنان را از آن چه می کرده اند خبر می دهد». از عبارت «فَأَعْرَبْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» استفاده می شود که شماری از مسیحیان، تا روز قیامت هستند؛ اگرچه به جرم اعمالشان، میان خودشان تا روز قیامت، همواره دشمنی است، (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰ش، ج ۴، ص ۳۱۶ - ۳۱۹). «إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنِي مَتْوًىكَ وَرَأَيْكَ إِلَى مَطَهْرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَى مَرْجِعِكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ، (سوره آل عمران: آیه ۵۵)؛ یاد کن هنگامی را که خدا گفت: ای عیسی، من تو را بر گرفته و به سوی خویش بالا می برم و تو را از (آلایش) کسانی که کفر ورزیده اند پاک می گردانم و تا رستاخیز، کسانی را که از تو پیروی کرده اند، فوق کسانی که کافر شده اند قرار خواهم داد؛ آن گاه فرجام شما به سوی من است. پس در آن چه بر سر آن اختلاف می کردید، میان شما داوری خواهم کرد». این آیه نیز بر ماندن مسیحیت تا هنگامه قیامت اشاره دارد؛ چون در این آیه، وعده داده می شود که مسیحیان تا قیامت برتر از کافران باشند. مقتضای ظاهر این آیه، آن است که کیش نصارا تا قیامت و در عصر مهدی (عج) نیز باقی خواهد ماند. «وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلَعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَالَّذِينَ بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، (سوره مائده: آیه ۶۴)؛ و یهود گفتند: دست خدا بسته است؛ دست های خودشان بسته باد. و به (سزای) آن چه گفتند، از رحمت خدا دور شدند، بلکه هر دو دست او گشاده است؛ هر گونه بخواهد می بخشد و بی گمان آن چه از جانب پروردگارت به سوی تو فرود آمده است، بر طغیان و کفر بسیاری از ایشان خواهد افزود و تا روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکندیم». آیات پیشین بر باقی ماندن پیروان دین مسیحیت تا روز قیامت دلالت داشت، ولی این آیه بر باقی ماندن پیروان دین یهود تا روز قیامت دلالت دارد. در این جا پرسشی مطرح است و آن این که بنابر روایات اسلامی، پس از ظهور مهدی (عج) در سراسر جهان، یک آیین بیش تر نخواهد بود و آن دین اسلام است. از بعضی آیات نیز، باقی بودن پیروان مسیحیت و یهودیت تا هنگامه قیامت استفاده می شود. این دو گونه روایات را چگونه می توان با هم جمع کرد؟ در پاسخ باید گفت: در روایات مهدی (عج) می خوانیم هیچ خانه ای در شهر و بیابان نمی ماند، مگر این که توحید در آن نفوذ می کند؛ یعنی اسلام به صورت آیین رسمی، همه جهان را فرا خواهد گرفت و حکومت جهانی، حکومت اسلامی خواهد شد و غیر از قوانین اسلام، چیزی بر جهان حکومت نخواهد داشت، ولی هیچ مانعی ندارد که اقلیتی از یهود و نصاری در پناه حکومت مهدی (عج) زندگی کنند. حضرت مهدی (عج)، مردم را از روی اجبار به اسلام نمی کشاند، بلکه با منطق پیش می رود و توسل او به قدرت و نیروی نظامی برای گسترش عدالت و برانداختن حکومت های ستم و قرار دادن جهان در زیر پرچم عدالت اسلامی است؛ نه برای اجبار به پذیرفتن آیین، و گرنه آزادی و اختیار مفهومی نخواهد داشت، (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۰ش، ج ۲، ص ۴۳۲ - ۴۳۳).

۴-۲. دلالت روایات اسلامی بر وجود یهود و مسیحیت در عصر مهدی (عج)

روایات اسلامی درباره بودن پیروان یهود و مسیحیت در آن عصر، به دو دسته تقسیم می شود که در ادامه به توضیح آن ها می پردازیم:

۴-۲-۱. دسته اول از روایات اسلامی

از برخی روایات اسلامی استفاده می شود که در زمان حضرت مهدی (عج) اقلیتی از یهود و نصارا حضور دارند: «وَرَوَى أَبُو بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ: فَمَا يَكُونُ مِنَ أَهْلِ الذِّمَّةِ عِنْدَهُ. قَالَ: يُسَالِمُهُمْ كَمَا سَالَمَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ

آلِه و يُؤدُّونَ الْجَزِيَّةَ عَنْ يَدٍ وَ هُمْ صَاغِرُونَ، (مجلسی، ۱۴۴۰ق، ج ۵۲، ص ۳۸۱)؛ ابوبصیر می‌گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم صاحب الامر با اهل ذمه، یهود و نصاری چه می‌کند؟ فرمود: مانند پیغمبر اکرم (ص) با آنان مصالحه می‌کند آنها هم با خواری تمام، جزیه (مالیات) می‌دهند. هم‌چنین امام محمد باقر (ع) می‌فرماید: «صاحب الامر، مهدی نامیده شد؛ برای این که تورات و دیگر کتاب‌های آسمانی را از غاری که در آنطاکیه واقع است، بیرون می‌آورد و میان اهل تورات با تورات، و میان اهل قرآن با قرآن قضاوت خواهد کرد»، (مجلسی، ۱۴۴۰ق، ج ۵۲، ص ۳۸۱).

۲-۲-۴. دسته دوم از روایات اسلامی

در مقابل روایات دسته اول، روایاتی هست که دلالت می‌کند در عصر دولت مهدی (عج) غیر از مسلمانان احدی روی زمین باقی نمی‌ماند. آن حضرت، دین اسلام را بر یهود و مسیحیان عرضه می‌دارد؛ هر کس پذیرفت از کشته شدن نجات می‌یابد و هر کس سر پیچید به قتل می‌رسد. «عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِهِ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهًا قَالَ أَنْزَلْتُ فِي الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا خَرَجَ بِالْيَهُودِ وَ النَّصَارَى وَ الصَّابِئِينَ وَ الزَّنَادِقَةَ وَ أَهْلِ الرَّدَّةِ وَ الْكُفَّارِ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا فَعَرَضَ عَلَيْهِمُ الْإِسْلَامَ فَمَنْ أَسْلَمَ طَوْعاً أَمَرَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ مَا يُؤْمَرُ بِهِ الْمُسْلِمُ وَ يَجِبُ لِلَّهِ عَلَيْهِ وَ مَنْ لَمْ يُسْلِمْ ضَرَبَ عَنْقَهُ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْمَشَارِقِ وَ الْمَغَارِبِ أَحَدٌ إِلَّا وَحَدَّ اللَّهُ قُلْتُ لَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنَّ الْخَلْقَ أَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ أَمْرًا قَلَّ الْكَثِيرُ وَ كَثُرَ الْقَلِيلُ، (مجلسی، ۱۴۴۰ق، ج ۵۲، ص ۳۴۰)؛ ابن بُكَيْر می‌گوید: تفسیر آیه «وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهًا وَ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ»، (سوره آل عمران: آیه ۸۳)، را از حضرت ابوالحسن (ع) پرسیدم. فرمود: این آیه در شأن حضرت قائم نازل شده است. وقتی آن جناب ظاهر شد، دین اسلام را بر یهود و نصاری و صائبین و کافران شرق و غرب عرضه می‌دارد؛ پس هر کس با میل و اختیار، اسلام بیاورد، به نماز و زکات و دیگر واجبات امرش می‌کند و هر که از قبول اسلام سر باز زند، گردنش را می‌زند تا این که در شرق و غرب زمین، جز موحد و خدا پرست کسی باقی نماند. ابن بکیر می‌گوید: به آن حضرت عرض کردم: فدایت شوم، مردم جهان زیادتر از آنند که کشته شوند؟ فرمود: هر گاه خدا کاری را اراده کند، زیاد را کم و کم را زیاد می‌گرداند». هم‌چنین امام محمد باقر (ع) فرموده است: «وَ يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَيْهِ شَرْقَ الْأَرْضِ وَ غَرْبَهَا، يَقْتُلُ النَّاسَ حَتَّى لَا يُرَى إِلَّا دِينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، (مجلسی، ۱۴۴۰ق، ج ۵۲، ص ۳۴۰ - ۳۴۲)؛ خداوند شرق و غرب جهان را برای صاحب الامر مفتوح می‌کند؛ آن قدر جنگ می‌کند تا این که جز دین محمد باقی نماند. در روایت دیگری، امام باقر (ع) در تفسیر آیه: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» فرمود: «يَكُونُ أَنْ لَا يَبْقَى أَحَدًا إِلَّا أَقَرَّ بِمُحَمَّدٍ» (مجلسی، ۱۴۴۰ق، ج ۵۲، ص ۳۹۰)؛ چنان می‌شود که احدی باقی نمی‌ماند؛ مگر این که به محمد ایمان بیاورد». «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، ... وَ لَمْ يَبْقَ أَهْلُ دِينٍ حَتَّى يُظْهِرُوا الْإِسْلَامَ وَ يَعْتَرِفُوا بِالْإِيمَانِ، (محمّدی ری شهری، ۱۳۹۳ش، ج ۹، ص ۳۴۶)؛ در زمان حضرت قائم (عج)، هیچ کس نیست، مگر این که به اسلام اعتراف می‌کند». هم‌چنین امام باقر (ع) فرموده‌اند: «هیچ یهودی و مسیحی و هیچ پرستش کننده غیر خدایی باقی نمی‌ماند، مگر این که به حضرت مهدی (عج) ایمان آورد و او را تصدیق کند»، (صدوق، ۱۳۹۳ش، ج ۵، ص ۲۲۰).

۳-۲-۴. جمع میان روایات دسته اول و دسته دوم

چنان که ملاحظه شد، روایات اسلامی در این زمینه دو دسته‌اند: دسته‌ای موافق قرآنند و دسته‌ای دیگر مخالف آن، ولی پوشیده نیست که احادیث موافق قرآن بر احادیث مخالف مقدمند و آنها را از اعتبار می‌اندازند. بنابراین، یهود و نصارا در عصر مهدی (عج) باقی خواهند ماند، ولی از عقیده تثلیث و شرک دست بر می‌دارند و خدا پرست می‌شوند و زیر لوای حکومت اسلامی به زندگی خویش ادامه می‌دهند. در عین حال، دولت‌های باطل فرو می‌پاشند و قدرت جهان در دست مسلمانان

شایسته قرار می‌گیرد. در آن روز، دین اسلام، دین جهانی می‌شود و بر تمام ادیان غالب می‌گردد و بانگ توحید از همه جا به گوش می‌رسد. «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۴ ش، ج ۱، ص ۴۰۷)؛ امام صادق علیه السلام: زمانی که قائم علیه السلام قیام کند سرزمینی باقی نمی‌ماند که در آن ندای «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» بلند نشود». امام باقر (ع) می‌فرماید: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَهَبَتْ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ، (حویزی، ۱۴۱۵ ق، ج ۳، ص ۲۱۲ - ۲۱۳؛ مجلسی، ۱۴۴۰ ق، ج ۲۴، ص ۳۱۳)؛ هر گاه قائم علیه السلام قیام کند، دولت باطل از بین می‌رود». «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: "الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ آمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَقِبَةُ الْأُمُورِ"، قَالَ: هَذِهِ الْآيَةُ لِأَلِ مُحَمَّدٍ الْمَهْدِيِّ وَ أَصْحَابِهِ، يُمَلِّكُهُمُ اللَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا، وَ يُظَهِّرُ الدِّينَ، وَ يُمِيتُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ وَ بِأَصْحَابِهِ الْبِدْعَ وَ الْبَاطِلَ، كَمَا أَمَاتَ السَّفَهَةَ الْحَقَّ، حَتَّى لَا يُرَى أَثَرٌ مِنَ الظُّلُمِ، وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ امام باقر (ع) در تفسیر آیه «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ» فرمود: این آیه در باره ائمه و مهدی و یارانش نازل شده است. خدا آنان را بر شرق و غرب زمین، فرمانده و حاکم می‌گرداند و به واسطه آنان، دین را تقویت می‌کند و بدعت‌ها و باطل‌ها را از میان می‌برد؛ آن‌گونه که نادانان حق را پایمال کرده‌اند؛ به گونه‌ای که دیگر از ستم اثری نماند. [آنان] وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را انجام می‌دهند». ابو بصیر می‌گوید: به امام جعفر صادق (ع) عرض کردم: یابن رسول الله قائم شما اهل بیت کیست؟ فرمود: ابا بصیر او پنجمین فرزند موسی است. پسر بهترین کنیزان خواهد بود؛ چنان غیبتش طولانی می‌شود که گروهی به شک می‌افتند. سپس خدا او را ظاهر می‌کند و شرق و غرب زمین را به دستش فتح می‌کند. عیسی بن مریم نازل می‌شود و پشت سرش نماز می‌خواند. در آن عصر، زمین به نور خدا روشن می‌گردد و تمام نقاطی را که غیر خدا در آن عبادت شده به عبادت‌گاه خدا تبدیل می‌شود. دین مخصوص خدا می‌گردد؛ گرچه مشرکان را خوش نیاید.

نتیجه‌گیری

بی‌شک اختلاف مذهبی با یک نظام توحیدی در تمام زمینه‌ها سازگار نیست؛ زیرا همین اختلاف برای بر هم زدن هر نوع وحدت کافی است. برعکس، یکی از عوامل مهم وحدت، وحدت دین و مذهب است که می‌تواند ما فوق همه اختلاف‌ها باشد و نژادها، زبان‌ها و ملیت‌ها و فرهنگ‌های گوناگون را گرد آورد و از آنها جامعه واحدی بسازد که همگان در آن هم‌چون برادران و خواهران باشند که: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ». از همین رو، یکی از برنامه‌های اساسی آن مصلح و انقلابی بزرگ، توحید صفوف در سایه توحید مذهب است. البته نباید گمان شود که این توحید اجباری باشد؛ زیرا اجباری بودن، منطقی نخواهد بود. مذهب با قلب و روح آدمی سر و کار دارد و قلب و روح از قلمرو زور و اجبار بیرون است. افزون بر این، روش و سنت پیامبر اکرم (ص) چنان‌که قرآن هم گواهی می‌دهد، بر اجبار نبوده است: «لَا كَرْهَ فِي الدِّينِ». بنابراین، اسلام اهل کتاب را به عنوان یک اقلیت سالم می‌پذیرد و تا زمانی که به تحریکات دست نزنند، حمایت کرده است. با توجه به این، در دوران حکومت آن مصلح بزرگ، همه وسایل پیش رفته ارتباط جمعی، در اختیار او و پیروان خواهد بود و چون اسلام راستین، جاذبه‌ای فوق العاده دارد، به خوبی می‌توان پیش‌بینی کرد که اسلام با تبلیغ منطقی و پی‌گیر، مورد پذیرش مردمان جهان خواهد بود و آرمان وحدت ادیان، عملی می‌گردد. این حقیقت را که از راه دلیل عقلی دریافتیم، در روایات اسلامی نیز به روشنی دیده می‌شود. برخی از این روایات، پیش‌تر بیان شد. براساس این روایات، دین اسلام، به عنوان یک آیین فراگیر بر تمام جهان حاکم خواهد بود، ولی با این همه، نمی‌توان گفت اقلیت‌های کوچکی از پیروان ادیان آسمانی دیگر هرگز وجود نخواهد داشت.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم
- امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، قم، شفق، ۱۳۹۶ش، چ هفدهم.
- بهشتی، محمد، ادیان و مهدویت، قم، مؤلف، ۱۳۴۹ش.
- حرّ عاملی، محمدبن حسن، اثبات الهداة، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۵ق.
- حکیمی، محمد، عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۲ش.
- حویزی، عبدعلی، نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
- خلیلیان، سیدخلیل، حقوق بین الملل اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ش.
- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
- راغب اصفهانی، حسین، معجم مفردات الفاظ القرآن، قم، ذوی القربی، ۱۳۸۳ش.
- زحیلی، محمد مصطفی، حقوق الانسان فی الاسلام، بیروت، دمشق، داربن کثیر، ۱۹۹۲م.
- سبحانی، جعفر، مبانی حکومت اسلامی، قم، توحید، ۱۳۷۰ش.
- سلیمان، کامل، روزگار رهایی، ترجمه: علی اکبر مهدی پور، تهران، آفاق، ۱۳۶۵ش.
- سیاح، احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین، تهران: کتابفروشی اسلام، ۱۳۷۷ش.
- صافی، لطف الله، مُنتخب الاثر فی الامام الثانی عَشْر (عج)، قم، مؤلف، ۱۴۲۲ق.
- صدر، سید صدر الدین، المهدی، امام دوازدهم، تهران، اسلامیة، ۱۳۴۴ش.
- صدوق (ابن بابویه)، محمدبن علی، کمال الدین و تمام النعمه، تهران، اسلامیة، ۱۳۹۵ق.
- عبدالفتاح طباره، غفیف، روح الدین الاسلامی، مترجم: ابوبکر حسنزاده، سنندج: تافگه، ۱۳۸۸ش.
- عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵ش.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۸۴ش.
- طوسی، محمدبن حسن، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۵ش.
- کریمی نیا، محمد مهدی، همزیستی مسالمت آمیز در اسلام و حقوق بین الملل، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۶ش.
- کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۶۹ش.
- مجتهد شبستری، محمد، «حکومت جهانی براساس حمایت و همزیستی»، مجله مکتب اسلام، سال ۸، ش ۳، بهمن ۱۳۴۵ش.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۴۰ق.
- مجلسی، محمدباقر، مهدی موعود، ترجمه علی دوانی، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۹۴ش.
- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دارالحديث، ۱۳۸۴ش.
- محمدی ری شهری، محمد و دیگران، دانشنامه امام مهدی عجل الله فرجه بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث، ۱۳۹۳ش.
- مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۲ش.

- معلوف، لوئیس، المنجد فی اللغة، تهران، اسلام، ۱۳۸۸ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ ش.
- موسوی اصفهانی، سیدمحمد تقی، مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم، قم، مدرسه الامام المهدی (ع)، ۱۳۶۳ ش.
- موسوی گیلانی، سیدرضی، «دکترین مهدویت و کاربرد آن از منظر انسان شناسی و جامعه شناسی»، مجله انتظار موعود، ش ۱۶، بهار ۱۳۸۵ ش.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه (غیبت نعمانی)، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷ ش.